

گفتگوی یاسر عرب در خصوص فاجعه #آتنا_اصلائی با هفته نامه جیم روزنامه خراسان

کانال جامعه شناسی <http://telegram.me/IranSociology>



بخش اول / البته که آن را هم نمی‌گوییم

برای ساخت مستند «یک پیشنهاد ساده» تحقیقات زیادی انجام داده و با کارشناسان مختلفی صحبت کرده‌اید که بخشی از این صحبت‌ها در مستند هم آمده است، طی این تحقیقات با چه کمی و کاستی‌هایی در زمینه آموزش جنسی مواجه شدید؟

اول باید بگویم من شخصا به آموزش جنسی تنها قائل نیستم، یا حتی به تربیت جنسی تنها. این دو با هم فرق دارند، آموزش جنسی این است که کودک در هر سنی چه چیزی بداند و چه چیزی نداند. اما تربیت جنسی آن چیزهایی است که به اطرافیان کودک مربوط می‌شود، که چه رفتاری جلوی کودک داشته باشیم یا کودکان از چه رفتارهای ما الگو می‌گیرند. اما چیزی که برای خود من غایت است، نه آموزش است و نه تربیت جنسی، بلکه رشد جنسی است، که یک ستونش آموزش جنسی است و یک ستونش تربیت جنسی .

خب این آموزش باید کجا اتفاق می‌افتاده که نیفتاده است؟

نظرات متفاوتی هست. هر کشوری بنا به مقتضای فرهنگ و دین و آداب و آیینش مدل خاص خود را دارد. اما من به نظریه‌ای که می‌گوید زیر دوازده سالگی هیچ کس حق ندارد به کودک آموزشی بدهد یا نکته تربیتی به کودک بگوید الا پدر و مادرش، معتقدم. یعنی در عین حال که به آموزش و تربیت جنسی و در نهایت رشد جنسی کودکان

قائلم، دقیقا به همین صراحت قبول ندارم که نظام آموزشی ما در یک کلاس همگانی یا کتاب‌های همگانی به کودکان آموزش بدهد. حتی مثلا اگر یک معلم احساس کرد کاستی در تربیت جنسی کودکی هست، حق سخن گفتن مستقیم با کودک را ندارد و باید به پدر و مادر کودک مسئله را مطرح کند و راهکارهای مناسب جلوی پای‌شان بگذارد تا والدین با توانمندی و مهارت کسب کرده خود وارد عرصه مداخله بشوند.

تا به حال موارد زیادی بوده و احتمالا شما هم با آنها مواجه شده‌اید که در آن، کودک آموزش جنسی دیده، یعنی می‌دانسته که کسی نباید دست به نقاط خاص بدنش بزند ولی باز هم مورد آزار جنسی واقع شده، پس کارکرد آموزش در این‌طور نمونه‌ها چیست؟

ما یک تصور اشتباهی داریم که اگر به کودک بگوییم این‌ها نقاط خصوصی بدن تو است و مراقب باش، کار تمام می‌شود؛ البته که آن را هم نمی‌گوییم! ولی والدین قبل از این که بخواهند راجع به نقاط خصوصی بدن کودک حرفی بزنند باید بفهمند کودک حریم خصوصی دارد و نباید از آن حریم جلوتر بروند. بدن، اتاق و حتی تخت خواب کودک حریم او هستند. وقتی در همه ابعاد زندگی حریم کودک را به راحتی می‌شکنند، در را ناگهانی و بدون اجازه باز می‌کنند، پتو را تنها به علت کنجکاوی ناگهان کنار می‌زنند، فالگوش می‌ایستند که بفهمند با دوستانش چه می‌گوید؟ این‌ها شکستن حریم کودک هستند و اشتباه اساسی همین‌ها هستند. مثلا به بچه‌ها می‌گویند اعضای خصوصی بدن شما را کسی نمی‌تواند ببیند، الا پدر و مادر و پزشک. بعد خودشان که می‌خواهند تفاوت دختر و پسر را به یک بچه ۳-۴ ساله یاد بدهند، صحنه‌سازی می‌کنند و پوشک یک بچه یک ساله را جلوی او باز می‌کنند که او ببیند و سوال کند چرا بدنش با من فرق دارد، خب این شکستن حریم آن بچه یک ساله است و آموزش عدم رعایت حریم به آن بچه چهار ساله! اصلا لزومی ندارد به کودک در هر سنی تفاوت‌های اندام تناسلی دختر و پسر را بگوییم. تا سنینی همین قدر اطلاعات کافی است که دخترها موهای‌شان بلند است، پسرها موهای‌شان کوتاه است. دخترها دامن می‌پوشند، پسرها شلوار، به همین سادگی.

بخش دوم / پس چرا بهتش می‌زند

یعنی تجاوز به حریم کودک باعث می‌شود نتواند مقابل تجاوز جنسی بایستد؟

بله؛ تجاوزات ناخواسته والدین در عمق ذهن کودک ملکه می‌شود! و البته باید بگویم تجاوز صرفاً تجاوز در زیست جنسی-تناسلی نیست، که تنها اگر یک بزرگسال یا نوجوان به یک کودک به لحاظ تناسلی نزدیک شد بگوئیم تجاوز است، من می‌گویم تجاوز مفهوم عامی دارد که آزار و اذیت جنسی را هم شامل می‌شود، مثل یک تماس بد، دستکاری، گفتن حرف‌های جنسی به کودک و ... مثلاً در انحرافات جنسی، مواردی از بیماران داریم که ناگهان آلت تناسلی خودشان را به کودک نشان می‌دهند، در عمل فیزیکی اتفاق نیفتاده ولی من این را تجاوز می‌دانم. حتی بوسیدن لب کودک یا گونه‌اش بدون این که خودش بخواهد. منتها درصد این تجاوزات با هم فرق دارد و شدت آسیب هر کدام متفاوت است. اما این که این طور در نظر بگیریم که تجاوز فقط رابطه جنسی-تناسلی است، کاملاً اشتباه است. بر همین اساس و برای جلوگیری از این آسیب‌ها، باید از پایه، رفتار درست را با کودک داشته باشیم. مثلاً موقع بردن بچه به حمام، ولو بچه دو ساله و کوچکتر، پدر و مادر باید بدانند در چه پوششی در حمام باشند و او چه پوششی داشته باشد. پس حتی پدر و مادر و دکتر هم نمی‌توانند ببینند، الا در شرایط اضطراری. من در اینجا مثالی می‌زنم برای خانم‌ها پیش آمده که در یک تاکسی کنار آقای نشسته‌اند و این آقا اختلال یا انحرافی دارد و تعرضی می‌کند، آیا آن خانم نمی‌داند این کار خطاست؟ پس چرا بهتش می‌زند و نمی‌تواند واکنشی نشان دهد؟ پس دانستن آن خانم تبدیل به تربیت و رشد نشده‌است. انتقال یک گزاره به یک نفر لزوماً به معنای نتیجه رفتاری درست نیست. البته که گفتنش بهتر از نگفتنش است.

فکر نمی‌کنید در همین مثالی که گفتید سکوت آن خانم به خاطر سنگینی این اتفاق و شمات‌های احتمالی بعد از آن است؟

می‌تواند باشد. در کتابی ادبی خواندم دختر با حیایی بوده و جایی دو مرد می‌خواهند به او تعرض کنند، او می‌گوید اگر به من تعرض نکنید وردی را یادتان می‌دهم که انسان را رویین تن می‌کند و شمشیر بر او کارساز نیست. بعد دو مرد می‌گویند اگر راست بگویی تجاوز نمی‌کنیم. دختر می‌گوید من الان ورد را بر خودم خواندم، شمشیر را بدهید تا نشان‌تان بدهم. شمشیر را می‌گیرد و توی قلبش فرو می‌کند و خودش را می‌کشد و این حيله و تدبیری بود تا تن به تجاوز ندهد! وقتی در ادبیات و آموزه‌های فولکلوریک مان از تعرض و تجاوز چنین چیزی ساخته‌ایم که مردن بهتر از این است، تصورش سخت می‌شود که وقتی برای کسی اتفاق مشابهی افتاد، بیاید و بگوید همچین اتفاقی افتاده. و اگر گفت و جامعه و خانواده ما تا آخر عمر چه نگاهی به او خواهند داشت؟ این‌ها دردهای ماست. ولی اگر بچه از

کودکی هر وقت اشتباهی کرد توبیخ نشد و زمین به آسمان نرسید و نخواستند همانجا ادبش کنند، آن وقت از تعرضی که بهش شده، مثلا شلوارش را کشیده‌اند پایین، دستی بهش زده‌اند یا ... به پدر و مادر می‌گوید .

فاجعه ساختن از تجاوز جنسی اشتباه است، نه این که فاجعه نباشد، فاجعه هست ولی نباید فاجعه را بزرگ تر کرد. باور کنید گلویم پاره شد از بس که در جلسات مختلف به این و آن توضیح دادم که بیشتر آزارها و تجاوزها به کودکان نه از طرف مردی کریه المنظر با یک چشم بسته و نه از طرف دستفروش سر چهارراه، بلکه از طرف نزدیکان و آشنایان و اقوام و همسایگان رخ می‌دهد! اصلا اینطور نیست که ناگهان متجاوز بچه را بگیرد و کارش را بکند. متجاوز برای کودک یک خانه امن درست می‌کند، او را تشویق می‌کند، برای جلب کردنش از وسایلی و دیتاها یا مهربانی‌هایی استفاده می‌کند که پدر و مادرش در اختیارش قرار نمی‌دهند، بعد که خانه امن را درست کرد و اعتماد کودک جلب شد، کار خودش را انجام می‌دهد. خیلی اوقات هم اصلا تصمیم به قتل کودک ندارد و بعد از این که آتشش خاموش شد با خودش فکر می‌کند حالا که چنین اتفاقی افتاده اگر کودک برود خبر بدهد چه؟ پس مسئله این قدر سطحی و ساده نیست که بیاییم بگوییم آتنایی از دنیا رفت، پس به کودکانمان بگوییم این‌ها نقاط خصوصی بدن‌تان است و مشکل حل خواهد شد .

بخش سوم / پایانی : ای کاش خون آتنا هدر نرود

**مدتی پیش خبری پخش شد از دستگیری ناظم مدرسه‌ای که به دانش‌آموزان تجاوز می‌کرده،
حین ساخت مستند با چنین موردی برخورد داشتید؟**

من در مدارس مورد تجاوز ندیدم ولی آسیب‌های دیگری هست که زمینه‌ساز رفتارهای غیرعقلانی و جدی می‌شود و متناقض تربیت جنسی ماست. بیشترین اتفاق هم تبادل اطلاعات و چیزهایی است که از والدین نشنیده‌اند و می‌خواهند بدانند و یا دیدن فیلم و عکس‌هایی به بهانه دریافت پاسخ و خاموش کردن آتش کنجکاوی. حتی در دوران دبیرستان ممکن است در راه حل‌هایی که برای رفع عطش‌شان می‌دهند، راه حل استفاده از همسالان و یا کودکان را هم بدهند و مورد بدتری هم بوده که یک نفر به دوستش گفته من کودکی را می‌شناسم که با او چنین کاری می‌کنم و در مقابلش فلان چیز را به او می‌دهم، تو هم اگر دوست داری این کار را بکنی دفعه بعد بیا یک جایی از خانه قایم شو و بعد از من تو این کار را انجام بده. این جا انگشت اتهام به سمت والدین است که نمی‌دانستند

این ساعتی که بچه در خانه نبوده، کجا بوده است. پدر و مادرها باید به این مسائل حساس باشند و آموزش ببینند، مثلا در همین مستندی که کار کردیم، صاحب یک گیمنت را داریم که بچه‌هایی که پول نداشتند را به پشت مغازه هدایت می‌کرده و... خب آن پدر و مادری که بچه را به گیمنت می‌فرستند نباید به او سر بزنند، از او بپرسند پولش را از کجا آوردی؟!

شما جزو معدود افرادی هستید که به سراغ ساخت چنین مستندهایی رفته‌اید، سختی‌های کار کجاست و به نظر تان چرا تولیدات این‌چنینی کم است؟

اولین سختی‌اش این است که کسی از شما حمایت نمی‌کند، کسی پشت شما نمی‌ایستد و همان حرف که «سری که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند». البته می‌گویند کار خوبیست و خدا خیرت بدهد ولی می‌گویند چرا من این حمایت را داشته باشم؟ حرف پشت سرم درمی‌آید! مسئولانی داشته‌ایم که مواخذه شده‌اند که چرا این برنامه را ساختی یا این حرف را در برنامه‌ات زدی، ولی موردی نبوده که مسئولی را برای کاری که نکرده بازخواست کنند. پس می‌گویند تا این کار را نکنم کسی بازخواست نمی‌کند. شبکه ۴ می‌گوید باید شبکه آموزش انجام بدهد، شبکه آموزش به بهانه‌ای دیگر عقب می‌نشیند! البته مسئله فشارهای بیرونی بر صدا و سیما هم هست که در این بحث نمی‌گنجد.

باز هم از این مستندها خواهید ساخت یا کاری در حال ساخت دارید؟

به لطف خدا اولین مجموعه آموزشی به والدین را جهت رشد جنسی کودکان، در دو ماه گذشته در اصفهان تولید کرده‌ایم و ان شاء... به زودی در فضای مجازی و قسمت به قسمت پخش خواهد شد .

به عنوان آخرین سوال دوست دارم برگردم به همان‌جا که بهانه این مصاحبه شد؛ قتل آتنا. به نظر تان این ماجرا چقدر می‌تواند ذهن‌ها را نسبت به الزام آموزش جنسی روشن کند.

تنها می‌توانم بگویم که ای کاش خون آتنا هدر نرود و این موجی که در کشور ایجاد شده، حداقل باعث شود یک ستون ثابت در روزنامه‌ها برای آگاهی دادن نسبت به چیزی که دیگران نمی‌بینند و نمی‌گویند ایجاد شود. حتما نباید یک قتل دلخراش اتفاق بیفتد تا فضای رسانه‌ای ما حساس بشود، رسانه باید پیشرو باشد.

<https://telegram.me/IranSociology> کانال جامعه شناسی

<https://telegram.me/Resaneyema> برگرفته از کانال رسانه ما (یاسر عرب)